

طلاق مسبب آسیب های روانی

پیشی گرفتن طلاق از ازدواج، از خبرهای مهمی است که در این چند روز نقل محافل اجتماعی و روانشناسی بوده است. ثبت 75 هزار طلاق تا پایان شهریور امسال، آمار رسمی است ...



پیشی گرفتن طلاق از ازدواج، از خبرهای مهمی است که در این چند روز نقل محافل اجتماعی و روانشناسی بوده است. ثبت 75 هزار طلاق تا پایان شهریور امسال، آمار رسمی است که جامعه را بیش از گذشته به سمت آسیب های روانی و اجتماعی سوق می دهد. تنها در سال گذشته، ایران با افزایش 14 درصدی طلاق روبه رو بود،

به گزارش سلامت نیوز به نقل از روزنامه بهار؛ هرچند به گفته متخصصان، آمارهای غیررسمی خیلی بالاتر از این ارقام و اعداد است علاوه بر آن طلاق های عاطفی نیز در هیچ کجا ثبت نمی شوند، در صورتی که در آینده این جدایی ها منجر به طلاق رسمی می شود. در زمینه عمده ترین دلایل طلاق و علل پیشی گرفتن آن از ازدواج با مهدی میرمحمدصادقی، روانشناس خانواده و مولف کتاب آموزش پیش از ازدواج گفت و گو کرده ایم که در زیر می خوانید.

آمارها امروزه خبر از پیشی گرفتن طلاق از ازدواج می دهد؛ امری که کاملاً بدیهی است. شما به عنوان کارشناس چه مسائلی را در سرعت طلاق دخیل می دانید؟

رشد طلاق به دلایل مختلفی صورت گرفته است. اول این که ما با یک موج جمعیتی در دهه 60 شمسی مواجه هستیم که این موج جمعیت به سن ازدواج رسیده و بعد از سه چهار سال زندگی، جدا می شوند یعنی در این دهه طلاق رشد سریعی داشته است. مورد دوم این است که فرهنگ طلاق نسبت به گذشته راحت تر مورد پذیرش قرار گرفته مخصوصاً در نسل 60؛ این که حفظ زندگی به هر قیمتی که در نسل های قدیم بود کمتر رایج است.

مورد بعدی ارتباط با فرزندسالاری دارد که در سال های گذشته به وجود آمده. ما با یک فرهنگ فرزندسالاری مواجه ایم که خانواده ها بیش از اندازه به فرزندانشان بها می دهند. امروزه این پدر و مادرها هستند که از فرزندان شان می پرسند کجا برویم؟ چه ببوشیم؟ و... . خب این دسته از افراد تا وارد زندگی مشترک می شوند و توجه لازم را از همسرشان نمی گیرند، همسری که هم نسل خودشان است و آن ها هم دچار چنین توقعاتی هستند، در واقع ناکامی را یاد نگرفته اند و در مقابل ناکامی نمی توانند از خود مقاومت کنند بیشتر در معرض طلاق قرار دارند. موضوع دیگر این است که جامعه ما در حال ورود به فضای مدرن است و مدرنیته هرجا که پا بگذارد یکی از آثارش رشد طلاق است. در واقع فرهنگ بساز و بسوز و این که با لباس سفید می ری و با کفن برمی گردی، برای این نسل مضحک شده است. البته مورد دیگر که من براساس استنباط شخصی ام معتقدم و هنوز پشتیبانه پژوهشی ندارد، موضوعات اقتصادی است که در این امر بسیار دخیل هستند. نرخ اشتغال پایین آمده، بیکاری افزایش یافته، عوامل تحریمی و غیره دست به دست هم داده و رشد طلاق را افزایش داده است.

در ایران مهم ترین دلایل طلاق طبق مراجعان کلینیکی و گزارش ها چه علت هایی است؟

دلایل طلاق خیلی منطقه ای و محیطی است. در حال حاضر ما در سه استان تهران، البرز و قم بالاترین نرخ طلاق را داریم اما نمی توان علت طلاق در یک استان را به استان دیگر تعمیم داد. در کل، اعتیاد، همسرآزاری، خیانت و دوست نداشتن همسر از دلایل عمده طلاق است که در پرونده دادگاه ها مشاهده می شود که همه این ها منجر به اختلالات روابط زناشویی می شود. روابط زناشویی و جنسی را نمی توان علت برشمرد بلکه باید از آن به عنوان معلولی از علت هایی که در بالا ذکر کردم، دانست. اما همان طور که اشاره کردم دلایل بیشتر بر حسب منطقه و ناحیه متفاوت است.

در کلانشهر تهران، مهم ترین دلیل جدایی که با آمارهای نگران کننده ای در حال افزایش است، چیست؟

پاسخ ندادن به نیازهای همسران به یکدیگر مهم ترین دلیل طلاق است که من هم در پرونده های دادگستری مطالعه کرده ام و هم در مراجعان کلینیکی دیده ام. در واقع به نوعی خودخواهی همسران، در پيله فرو رفتن شان، با احساس ناکامی روبه رو شدن و کامیابی را در جای دیگر جست و جو کردن بدون آن که به حل مساله بپردازند. البته از دید من یکی دیگر از دلایل طلاق را باید در دوران قبل از ازدواج و در روابط خویشاوندی جست و جو کرد. ارتباط نامناسب یکی از زوج ها با پدر، مادر، خواهر و برادر باعث

می‌شود فرد در آینده نتواند زندگی مشترک خوبی داشته باشد. ما طلاق را در جاهایی می‌بینیم که دو طرف زندگی رابطه بد و مشکل‌داری با خانواده‌شان دارند. وقتی این افراد در محیط خانواده یاد نگرفته‌اند با این فضا کنار بیایند بالطبع در زندگی مشترک نمی‌توانند از پس ارتباط زناشویی برآیند. دختری که با پدرش نمی‌سازد یا پسری که با مادرش روابط خوبی ندارد مسلماً در آینده نمی‌تواند با همسرش بسازد. ما در مراجعان بالینی، افرادی که درصدد طلاق هستند، وقتی دوران مجردی‌شان را مورد واکاوی و بررسی قرار می‌دهیم، می‌بینیم که عده‌ای از آن‌ها جزو کسانی بودند که با خانواده‌شان درگیری داشتند.

در دو سه سال گذشته روانشناسان با مشاوره‌های پیش از ازدواج درصدد بودند که باعث کاهش آمار طلاق باشند، اما این مساله هم چندان نتیجه مثبتی به بار نداشت؟

اولاً این‌که نباید کاری کرد که طلاق به صفر برسد زیرا حتماً یک جای کار می‌لنگد و با آسیب‌های اجتماعی روبه‌رو خواهیم شد. با مثال این موضوع را تشریح می‌کنم: ما در استان ایلام کمترین آمار طلاق را داریم اما به‌جایش با بالاترین و بیشترین خودکشی از نوع خودسوزی زنان در این شهر مواجه‌ایم. اگر در این استان طلاق آن‌قدر کم نبود، خودسوزی هم وجود نداشت. ما اگر در جایی طلاق را بسیار کم کنیم یا به صفر برسانیم همان‌طور که اشاره کردم با آسیب‌های دیگری روبه‌رو می‌شویم از جمله اختلالات روانی، خشونت و... پس این نگاه بدی است که طلاق به صفر برسد بلکه در بعضی مناطق باید طلاق را تسهیل کنیم. اما در زمینه مشاوره باید این امر را گفت که وقتی کسانی که برای مشاوره‌های پیش از ازدواج پیش ما می‌آیند و خواهان مشاوره هستند افرادی‌اند که اغلب همدیگر را می‌خواهند و ما به آن‌ها اعلام می‌کنیم که برای ازدواج شما زوج مناسبی نیستید اما گوش نمی‌کنند، مشاور هم که نمی‌تواند حکم کند.

پس تعدادی از طلاق‌ها را ما از قبل پیش‌بینی می‌کردیم و به دو طرف می‌گفتیم. یعنی تشخیص درست بوده اما افراد تمکین نکرده‌اند. مورد بعدی این است بعضی از همکاران که مشاوره ازدواج می‌دهند، در این زمینه تخصص لازم را ندارند و این قسمت مربوط به عدم نگاه تخصصی به این موضوع است. هرکسی که روانشناس است الزماً نباید از وی مشاوره پیش از ازدواج گرفت. باید روانشناسان دوره‌های تخصصی در این زمینه گذرانده باشند و در این حوزه‌ها درس خوانده باشند. به‌رحال طلاق یک ضرورت اجتماعی است. البته گاهی اوقات ما پسر و دخترهایی دیده‌ایم که به شدت درگیری عاطفی با یکدیگر دارند. ما به‌عنوان روانشناس می‌بینیم این ازدواج نادرست است. ولی وقتی شرایط‌شان را در زندگی در نظر می‌گیریم می‌بینیم ازدواج و تشکیل زندگی گاهی اوقات بهتر از آن است که آن‌ها را از هم جدا کنیم زیرا لطماتی که بعد از جدایی در دوران پیش از ازدواج می‌خورند گاهی آن‌قدر شدید است که نمی‌توانیم آن‌ها را ازدواج منع کنیم.

با همه این تفاسیر، چه کار باید کرد که از طلاق جلوگیری کنیم تا کمتر شاهد آسیب‌های پس از آن باشیم؟ آسیب‌های ناشی از طلاق که به‌وجود آمده برای الان نیست، اگر طلاق امروزه تبدیل به مساله‌ای بحران‌زا شده باید به 20، 30 سال قبل رجوع کرد. بحران و آسیب طلاق ریشه در یک روز و یک سال ندارد بلکه ریشه در سال‌های دور دارد و اگر از الان کاری نکنیم در 20، 30 سال آینده درباره بچه‌های طلاق دچار بحران‌هایی می‌شویم که گریبانگیر آن‌هاست. پس در حال حاضر باید فکری برای بچه‌های طلاق کرد. 150 هزار طلاق در سال گذشته به ثبت رسیده که مسلماً نیمی از آن‌ها حدود 75 هزار کودک داشته‌اند، حال باید با این آسیب‌هایی که گریبانگیر این بچه‌ها می‌شود، چه کرد؟ ما برای جلوگیری از طلاق باید به امر ازدواج بپردازیم. ابتدا روابط خویشاوندی که ذکر کردم. چون انعکاس این روابط در آینده منجر به طلاق می‌شود. از دید من اگر به این مساله به صورت علمی و تخصصی پرداخته شود جلوی طلاق را می‌توان در سال‌های آینده گرفت.

این‌که ما با چه کسی داریم ازدواج می‌کنیم؟ بیاییم به واکاوی روابط دوران کودکی‌شان بپردازیم و مطمئن شویم آن‌ها با والدین یا خواهر و برادرشان سر ناسازگاری ندارند. یا این‌که ما ازدواج‌های بسیار خوبی داریم که گاهی خانواده مانع آن می‌شود و گاهی ازدواج‌های نادرست که خانواده خواهانش است. در زمینه ازدواج، سواد ازدواج خانواده‌ها بسیار پایین است. بنابراین جامعه باید سعی کند این سواد را بالا ببرد. ازدواج یک موضوع آرمانی نیست بلکه بسیار هم واقعی است و ما باید براساس واقعیات درباره‌اش تصمیم بگیریم و صحبت کنیم. اگر افرادی در تلویزیون می‌آیند و از ازدواج تعریف می‌کنند و به اصطلاح به‌به چه‌چه راه می‌اندازند، کاری برای جوانان ما انجام نمی‌دهند، بلکه همین ازدواج‌هاست که به طلاق منجر می‌شود. باید با جوانان و خانواده واقع‌گرایانه در این مورد صحبت کرد. درواقع پرداختن به ازدواج به نوعی پرداختن به طلاق است. یکی از راه‌های پیشگیری از طلاق، آشنایی در امر ازدواج است.

به‌عنوان مشاور آیا لازم می‌بینید که در زمینه ازدواج و طلاق در مدارس، برنامه خاصی در نظر گرفته شود؟ بله، مخصوصاً نوجوانان دبیرستانی باید اطلاع داشته باشند. پژوهش‌ها نشان داده کسانی که به این موضوعات اشراف دارند کمتر دچار طلاق می‌شوند. سیاستمداران صحبت از این می‌کنند اگر درباره روابط جنسی با نوجوانان صحبت شود، آن‌ها به فساد کشیده می‌شوند. در صورتی که در تمامی پژوهش‌ها در سایر جوامع برعکس این قضیه را نشان می‌دهد. اگر درباره این مسائل شفاف، البته منظوری بی‌بند و باری نیست، صحبت شود در آینده می‌توانیم تا حدی از طلاق و آسیب‌های پس از آن جلوگیری کنیم.

به هر حال بعد از طلاق، دو طرف با آسیب‌های اجتماعی زیادی روبه‌رو خواهند شد، برای جلوگیری و صدمه کمتر از منظر روانی باید چه کرد؟

خیلی از خانواده‌ها نمی‌دانند که چگونه به درستی طلاق بگیرند تا آسیب‌های کمتری هم خودشان ببینند و هم اگر کودک دارند آن‌ها صدمه کمتری بخورند. بهترین راه‌حل، آموزش افرادی است که در حال طلاق گرفتن هستند یا جدا شده‌اند. اگر کسی خواهان طلاق است باید آموزش ببیند که در آینده با چه مسائلی روبه‌رو خواهد شد، و دوم این‌که در صورت بچه‌دار بودن، چه کنند تا فرزندان‌شان آسیب کمتری ببینند. و نکته بعدی نیز آموزش به مشاوران و متخصصانی است که در این زمینه فعالیت دارند. هر چقدر سواد روانشناس در این زمینه بالاتر رود کمک بیشتری می‌تواند به افراد خواهان جدایی کند. اکثر مشاوران و متخصصان ما از طریق تجربی و کتابخوانی دارای این تخصص هستند در صورتی که باید در این زمینه حرفه‌ای آموزش ببینند.

وظیفه سازمان نظام روانشناسی و مشاوره این است که هر سازمانی مشاورانی را که در این حوزه هستند حرفه‌ای آموزش دهد. بالا بردن سواد مشاوره برای مخاطبانی که درگیر پروسه جدایی هستند راه‌حل بسیار مناسبی است. اما مهم‌ترین نکته‌ای که باید بگویم این است که دادگاه‌ها باید به سمتی حرکت کنند که قبل از تشکیل پرونده طلاق افرادی که خواهان متارکه هستند، نظر مشاوران روی پرونده‌شان باشد. اما در دادگاه‌ها بدین صورت است که ابتدا پرونده طلاق را تشکیل می‌دهند و بعد آن‌ها را ارجاع به مشاور می‌دهند، در صورتی که برای تشکیل پرونده طلاق، رای و نظر مشاوره لازم است. با مثال شرح می‌دهم اگر تصادفی رخ دهد برای تعیین خسارت از کارشناس رسمی استفاده می‌شود و در دادگستری به نظر کارشناسی رسمی استناد می‌شود. مشاوران و روانشناسان در حوزه خانواده در دادگاه‌ها باید به‌عنوان کارشناس رسمی تعریف شوند، مخصوصاً در حوزه طلاق و حضانت. اگر به من روانشناس اجازه دهد طی جلسات قبل از تشکیل پرونده می‌توانم نظر تخصصی‌ام را در حوزه جدایی و حضانت بدهم. این کار مناسب و تخصصی است. پس دادگستری باید به سمتی برود که کارشناسی رسمی خانواده را تعریف کند.